

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره چهارم-زمستان ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۶

فقیر دهلوی، معرفی نسخ خطی دیوان اشعار و طرز او

(ص ۲۸۱-۲۶۳)

غلامرضا مستعلی پارسا^۱، محمد محمودی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

چکیده

میرشمس‌الدین فقیر دهلوی (۱۱۱۵- ۱۱۸۳ هـ) ادیب، شاعر و بلاغی شهیر هند است که متأسفانه در ایران چندان شناخته نیست. از فقیر آثار مهمی در بلاغت فارسی و نیز منظومه‌های دینی و عاشقانه بر جای مانده که نشان از سخندانی و دانش او در علوم ادبی دارد. دیوان میرشمس‌الدین تاکنون تصحیح و چاپ نشده و بررسی جامعی نیز درباره شعر او صورت نگرفته است. قدیمیترین نسخه موجود از دیوان فقیر مربوط به زمان حیات وی است که در دانشگاه علیگر هند نگهداری میشود. نسخه‌ای نیز به نام دیوان فقیر در یکی از کتابخانه‌های ایران مضبوط است که متعلق به او نیست و بر اثر سهو فهرست‌نویسان به وی نسبت داده شده است. فقیر دهلوی بیش از آنکه تحت تأثیر سنت شاعران دورخیال هندی باشد، به شیوه ایرانی این سبک گرایش دارد. شعر او با وجود اینکه در سالهای پایانی سبک هندی قرار دارد، در مقایسه با شعرای همدوره و پیشینیانش ساده و روشن است و مضامین پیچیده و استعاره‌های غامض در آن به ندرت مشاهده میشود. بررسی ویژگی‌های سبکی و مضامین شعر فقیر دهلوی به معرفی بیشتر بخشی از میراث ادب فارسی در شبه قاره یاری میکند که در این مقاله بدان پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: دیوان فقیر دهلوی، شعر فارسی، سبک هندی، نسخه خطی، قرن دوازدهم، زبان و درونمایه.

^۱ دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی mahmoodi.mhmd@yahoo.com

مقدمه

معیارهای ارزشگذاری درباره ادوار شعر فارسی خالی از اشکال نیست؛ نگاهی تاریخی به جریانهای هنری و شکل‌گیری سبکهای ادبی در دوره‌های مختلف بوضوح نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل مختلف در این تغییر و تحولات مؤثر بوده‌اند و اساساً مستقل دانستن ادبیات از عوامل بیرونی - آنگونه که فرمالیستهای افراطی معتقدند - چندان صواب نیست.

موکاروفسکی، پیشوای ساختارگرایان چک، تأثیرگذاری همزمان مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... بر یکدیگر را با اصطلاح «ساختار ساختارها» (structure of structures) توضیح می‌دهد. او معتقد است که «قرار دادن ادبیات در خلأ و زیر عنوان نقش ویژه آن نادرست است. رشته تغییرات در حال گسترش ساختارهای فردی در طول زمان (مثلاً سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک و ادبی و هنری) بدون هیچگونه تماسی با یکدیگر، به صورت موازی حرکت نمی‌کند؛ بلکه این ساختارها تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند و میان آنها دادوستدی متقابل شکل می‌گیرد. وقتی دوران شکوفایی ساختارهای بزرگ باشد، محال است ساختارهای کوچکتر در انحطاط مطلق به سر برند و نیز محال است که در عصر انحطاط ساختار ساختارها، یک ساختار کوچک چنان اوجی بگیرد که از تمام ساختارها برجسته‌تر جلوه کند» (رستاخیز کلمات، شفیع‌ی کدکنی: صص ۲۵۵ - ۲۵۹).

داوریهای یکسویه درباره سبک هندی ناشی از مسامحه در معیارهای نقد و بررسی منتقدان است. پژوهشگران و ادبایی که در نفی و طرد سبک هندی سخن گفته و آن را دوره انحطاط شعر فارسی دانسته‌اند، بسترهای اجتماعی و فرهنگی شکل‌گیری این سبک را نادیده می‌گیرند.

نکته دیگر این است که «همه کسانی که به انحطاط شعر و فساد و تباهی مطلق سخن در عهد صفوی فتوا داده‌اند، شعر این دوره را با معیار و مقیاس فصاحت قرون گذشته میسنجند و در سخن شاعران این دوره همان تفکر و شیوه بیان را توقع مینمایند که در سخن عنصری و فرخی و فردوسی تا سعدی و حافظ دیده میشود... و حقا که چنین توقع و انتظاری دور از توقع اهل تحقیق است». (تاریخ ادبیات، صفاح ۵/۱: صص ۵۵۱ - ۵۵۲) سبک هندی واکنشی به تقلید و تکرار سنتهای ادبی حاکم بر دوران تیموری و تلاش برای نوآوری در عناصر شعر فارسی بود؛ بنابراین دستاوردهای این تحول و نوآوری را باید با نرم و هنجار دوره قبل مقایسه کرد. «میتوان گفت که در سبک هندی، شعر فارسی در جایی که نمونه‌ها کمال این سبک را نشان می‌دهد، در عرصه اندیشه و محتوا (که ادامه و گسترش تجربه‌های روزمره بود)، در عرصه صور خیال و نیز در زمینه شعری گامی به سوی نوآوری برداشت» (ادبیات فارسی؛ از عصر جامی تا روزگار ما، شفیع‌ی کدکنی: ص ۳۲). اما مبالغه در خیالبندی و مضمون‌سازیهایی پیچیده (بویژه در شاخه هندی این سبک) و ضعف و

سستی زبان باعث افول این سبک و شکل‌گیری جنبشی ارتجاعی شد که رهیافتی جز بازگشت به سنت‌های ادبی گذشته ارائه نکرد.

مطالعه سبک هندی و میراث ادبی بر جای مانده از این دوران به عنوان بخشی از سیر تکامل شعر فارسی حائز اهمیت است. به دلیل کثرت شعرا و گستره جغرافیایی این سبک، آثار ارزشمند بسیاری وجود دارد که تاکنون مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته‌اند؛ خاصه آثار برجای مانده از پارسی‌گویان شبه قاره که نیازمند بازبینی و احیا هستند. یکی از شعرای مهم و تأثیرگذار این سرزمین که متأسفانه در ایران چندان شناخته شده نیست، میرشمس‌الدین فقیر دهلوی است که در این جستار مروری بر زندگی و آثار و بررسی سبک شعر او خواهیم داشت.

شرح حال:

«میرشمس‌الدین» متخلص به «فقیر» ادیب، شاعر و بلاغی شهیر هند در سال ۱۱۱۵ هـ. ق در شاهجهان‌آباد (دهلی) دیده به جهان گشود. از طرف پدر «عباسی» بود و از جانب مادر «سیادت‌نسب». در تذکره‌ها به نام والدین او اشاره‌ای نشده است اما او را از بزرگ‌زادگان دهلی نوشته‌اند و از احفاد شاه اعظم خانی. (نشر عشق، عاشقی عظیم‌آبادی: ص ۱۲۳۶؛ نتایج‌الافکار، گوپاموی: ص ۱۳۳۶؛ مجمع‌النفائس، آرزو: ص ۱۲۶۷) مؤلف تذکره *آتشکده* نام او را «میرشمس‌الدین محمد» ضبط کرده (آتشکده، آذر بیگدلی: ص ۵۲۴) که با توجه به اطلاعات قاطبه منابع هم‌عصر فقیر نمیتواند درست باشد.

فقیر دهلوی در زادگاهش به تحصیل دانش و ادب پرداخت و در علوم دینی و ادبی (شعر و عروض و قافیه و معانی و بیان و بدیع) سرآمد روزگار شد. «از فاضلان عصر خود تحصیل مراتب علمیه نموده، استعداد کثیره و سرمایه وافر پیدا ساخت و زباندانی و خوش‌لسانی به مرتبه‌ای رسانید که اهل عجم از وی حساب برمیداشتند و وی را از فصحا میانگاشتند و در مراتبدانی اقسام نظم در ابنای زمان ممتاز اقران بود» (نشر عشق، عاشقی عظیم‌آبادی: ص ۱۲۳۶).

مؤلف *مجمع‌النفائس* درباره سخن‌دانی او مینویسد: «خیلی شریف‌النفس و کثیرالاخلاق واقع شده... خدایش سلامت دارد که امروز مثل وی در هند نیست... مشق سخن و صفای زبان را به جایی رسانده که اهل زبان حساب از او برمیدارند، بلکه دم از تلمذش میزنند. در فضل و کمال و شعر و انشا و فنون دیگر مثل عروض و قافیه و معانی و بیان و بدیع یکتای روزگار و منتخب لیل و نهار است». (مجمع‌النفائس، آرزو: ص ۱۲۶۷) والہ داغستانی، همنشین و دوست فقیر که منظومه «والہ سلطان» شرح داستان دلدادگی اوست، نیز در تذکره *ریاض‌الشعرا*، فقیر را اسوه سخنوران جهان و در عربیدانی و فقه و کلام نابغه زمان و نادره دوران دانسته و میگوید: «در زهد و پرهیزگاری یگانه آفاق و در ورع و تقوا در عالم طاق است. در فن سخنوری به اعتقاد راقم حروف،

هیچیک از متقدمین و متأخرین را پایه او نبوده و نیست؛ چه جمیع محسنات و لوازم سخنوری را جامع است» (ریاض الشعراء، واله داغستانی: ص ۱۶۸۶).

آبائش مذهب تسنن داشتند اما فقیر شیعه دوازده امامی بود. عشق و محبت به اهل بیت(ع) در سراسر آثارش مشهود است. او شیعه‌ای معتقد بود و حتی در برخی ابیاتش چهره‌ای از یک شیعه متعصب و غالی را میبینیم. قریب به اتفاق قصایدش در منقبت خاندان نبوت(ع) است و در جای جای غزلهایش نیز به مدح امیرالمؤمنین(ع) پرداخته است. دو مثنوی بلند «شمس‌الضحی» و «در مکنون» و نیز مثنوی کوتاه «در واقعه جانسوز کربلا» مؤید شیفتگی و ارادت وافر فقیر به اهل بیت(ع) و مذهب تشیع است.

فقیر دهلوی در ابتدا «مفتون» تخلص میکرد و چند غزل نیز در دیوانش با این تخلص موجود است. ظاهراً در جوانی عاشق‌پیشه و خوش‌طبع بوده، چنانکه دوست نزدیکش، واله داغستانی، درباره او میگوید: «بی شور محبتی و جذبه عشقی نمیبودی، گاه بودی که با پنج شش معشوق سروکار داشتی و گاه تخفیف داده به یک کس قناعت کردی...» (همان، ص ۱۶۸۷) اما در حدود سال ۱۱۵۰ هـ ق ترک علایق دنیوی کرده و کسوت فقر در بر کشید. (نتایج‌الافکار، گوپاموی: ص ۱۳۳۶) در تذکره‌ها درباره ازدواج فقیر نکته‌ای نیامده و گویا تا آخر عمر در تجرد و انزوا زیسته است. میرشمس‌الدین در آخر عمر برای زیارت اماکن متبرکه عازم عراق شد و در راه بازگشت به هند (در سال ۱۱۸۳ هـ ق) کشتی‌اش در دریا غرق شد.

آثار و تألیفات

آثار بر جای مانده از فقیر در نظم و نثر به شرح زیر است:

آثار منظوم:

الف) دیوان اشعار، شامل غزلیات، قصاید، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، قطعات و رباعیات که موضوع این مقاله است.

ب) مثنویها، شامل منظومه‌های بلند و چند مثنوی کوتاه:

۱- تصویر محبت (۱۱۵۸ هـ ق): این مثنوی داستان عشق رامچند به محبوبش و ازدواج آن دو و پایان سوزناک آن است. تصویر محبت در ۸۲۳ بیت و در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده است و حاصل دوران میانسالی و پختگی فقیر دهلوی است.

۲- واله سلطان (۱۱۶۰ هـ ق): این مثنوی داستان واقعی عشق نافرجام و جانسوز واله داغستانی، دوست نزدیک فقیر و مؤلف تذکره مشهور ریاض‌الشعراء، به دختر عمویش خدیجه سلطان است. «فقیر سرگذشت این دلدادگی را به درخواست واله و برای تسکین خاطر او به نظم کشیده است. این مثنوی در ۳۲۳۰ بیت و بر وزن لیلی و مجنون سروده شده و در ادب فارسی هند شهرت

بسیاری دارد. کلام فقیر در این منظومه زیبا، استادانه و روان و نشانه‌ای است از توانایی گوینده در زبان و ادب فارسی». (تاریخ ادبیات، صفا، ج ۵/۲: ص ۱۴۱۸)

۳- در مکتون (۱۱۶۹ ه. ق): این مثنوی داستان عشق ملیکه خاتون، دختر قیصر روم، به امام حسن عسکری (ع) و ازدواج با ایشان و ولادت حضرت مهدی (عج) است که در چهارهزار بیت سروده شده است.

۴- شمس‌الضحی (۱۱۷۳ ه. ق): این مثنوی حماسه‌ای دینی در مدح و ستایش و بیان کرامات معصومین (ع) است که در چهارده لمعه سروده شده است.

۵- مثنویهای کوتاه: شامل «در واقعه جانسوز کربلا»، «تحفة الشباب»، «در تعریف دولتخانه نواب امیرالامرا بهادر» و ...
آثار منثور:

فقیر دهلوی در علوم مختلف ادبی و بلاغی تبخّر داشت و آثار منثور او شامل کتابها و رساله‌هایی در بلاغت و عروض و قافیه است:

۱- حدائق‌البلاغه: این کتاب مهمترین اثر بلاغی فقیر است که در سال ۱۱۶۸ ه. ق نوشته شده و شامل مباحث بیان، بدیع، عروض، قافیه، فن معما و سرقات شعری است. این کتاب از حیث فصلبندی علوم بلاغی و اشمال بر دانشهای بلاغی و شواهد زیاد شعر فارسی حائز اهمیت است. گارسین دوتاسی (Garcin de Tassy)، مستشرق فرانسوی، در سال ۱۸۴۴ میلادی آن را به فرانسه ترجمه کرده است.

۲- الوافیة فی علم العروض و القافیه: این رساله در سال ۱۱۶۱ ه. ق نوشته شده و همانگونه که از نام آن پیداست، درباره مباحث علم عروض و قافیه است.

۳- خلاصة البدیع: این رساله برگزیده و توضیح مختصری درباره صنایع شعری بر اساس مفتاح سکاکی و مطول تفتازانی است که نگارش آن در سال ۱۱۶۲ ه. ق به اتمام رسیده است. واله داغستانی این رساله و الوافیة را در تذکره ریاض‌الشعر آورده است.

۴- زبدة البیان: این رساله کوتاه، شامل بحثی مختصر در باب علم معانی و بیان است که در سال ۱۱۶۵ ه. ق نوشته شده است.

دیوان فقیر

قدیمیترین نسخه موجود از دیوان فقیر دهلوی در کتابخانه «مولانا آزاد» دانشگاه اسلامی علیگر هند به شماره ۳۱۷ محفوظ است. ویژگی منحصر بفرد نسخه مذکور این است که در زمان حیات فقیر کتابت شده است. نسخه علیگر مربوط به سال ۱۱۷۱ ه. ق یعنی ۱۲ سال پیش از مرگ فقیر است که توسط کاتبی به نام «عبدالکریم» نوشته شده است. از یادداشت کوتاهی که مهور به نام «محمد بهادر حسنخان» در برگ اول این نسخه نوشته شده چنین برمیآید که فقیر نسخه را در

سال ۱۱۷۲ به وی هبه کرده است: «این دیوان فصاحت بیان هادی طریق هر صغیر و کبیر شفیق علی التحقیق حقیر میرشمس الدین متخلص به فقیر است که نه به اکراه و اجبار بل عین رضا و اختیار به این ذره بيمقدار خود هبه فرموده‌اند. فی سنه ۱۱۷۲».

این نسخه در ۱۲۸ برگ شامل ۳۷۰ غزل، ۸۵ رباعی، قطعاتی در ماده تاریخ، لغز، معما و... ترکیب‌بند در مرثیه «امتیازخان هما»، مثنویهای «در تعریف دولتخانه نواب امیرالامرا ساداتخان بهادر» و «در تعریف خسخانه نواب سادات خان» و نیز منظومه «تصویر محبت» است. نسخه با مطلع غزل زیر آغاز میشود:

ای در طلب نام تو آواره نشانها گم کرده ره معنی وصف تو بیانها
و با خاتمه مصنف بر مثنوی «تصویر محبت» پایان مییابد:

بحمدلله که این نظم دلاویز به پایان آمد از کلک شکرریز...
الهی تا بود نظم ثریا به روی صفحه افلاک بر جا
ازو بر صفحه گیتی نشان باد پسند خاطر صاحب‌دلان باد
نسخه‌ای از کلیات فقیر در ایندیآفیس لندن به شماره ۱۷۱۰ مضبوط است که یکسال پس از درگذشت فقیر یعنی در سال ۱۱۸۴ ه. ق. به خط «محمد حسن غوری» کتابت شده است و علاوه بر غزلیات، قصاید، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، قطعات و رباعیات، مشتمل بر چند مثنوی بلند و کوتاه او نیز است. تعداد غزلیات، رباعیات و قطعات این نسخه با نسخه علیگر یکسان است و از ظاهر امر برمیآید که این بخش از اشعار، از روی آن نسخه کتابت شده است. نسخه ایندیآفیس همچنین شامل ۲۱ قصیده در مدح و منقبت معصومین(ع) از جمله قصیده مصنوع در مدح امیرالمؤمنین علی(ع)، سه ترکیب‌بند (به سیاق ترکیب‌بند هفت‌بندی ملاحسن کاشی، در مرثیه سیدالشهدا(ع) و در مرثیه «امتیازخان هما»، یک ترجیع‌بند دوازده‌بندی در مدح حضرت علی(ع) و نیز مثنویهای «در مکنون»، «تصویر محبت»، «تحفة الشباب»، «در واقعه جانسوز کربلا» و «در تعریف خسخانه» است.

این نسخه ۳۳۴ صفحه‌ای با قصیده تحمیدیه اینگونه شروع میشود:

ای غم عشق تو شوری در جهان انداخته طشت عاشق را ز بام آسمان انداخته
عشق را نور جمالت برده آن سوی یقین عقل را کنه کمال در گمان انداخته
و همانند نسخه علیگر با ابیات پایانی مثنوی «تصویر محبت» خاتمه مییابد.

دیگر نسخ موجود دیوان فقیر مربوط به نیم‌قرن پس از درگذشت اوست. از جمله نسخه‌ای که در کتابخانه خدابخش شهر پتنه هند به شماره ۶۸۲ نگهداری میشود و در سال ۱۲۴۰ ه. ق. توسط

«خالد شهاب‌الدین» کتابت شده است. این نسخه شامل ۳۸۵ غزل، ۱۲۵ رباعی، چند قطعه در ماده تاریخ و لغز و معما و نیز مثنوی «در تعریف دولتخانه نواب امیرالامرا ساداتخان بهادر» است.

نمونه‌ای از خطای فهرست‌نویسان

در کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) نسخه‌ای به شماره ۱۰۵۰۴ به نام دیوان فقیر دهلوی محفوظ است که با بررسی اولیه نگارنده مشخص شد که متعلق به این شاعر نیست. این نسخه حجیم «دیوان واقف لاهوری» (درگذشته ۱۱۹۰ ه. ق) است و با سهو فهرست‌نگار به نام فقیر ضبط شده است. نسخه شامل غزلیات، قصاید، ترجیع‌بندها، رباعیات، یک‌بیتیه‌ها و مناجات است و در سال ۱۲۲۷ ه. ق توسط «محمد حنیف بن نور الحسین» کتابت شده و ۴۴۲ برگ دارد.

نسخه کتابخانه مرعشی با ابیات زیر آغاز میشود:

این نسخه بیربط که دیوان فقیر است مجموعه احوال پریشان فقیر است
از سوز و گدازی که شناسد دل روشن هر مصرع آن شمع شبستان فقیر است
فهرست‌نویس محترم به رؤیت صفحه نخست نسخه اکتفا کرده و عجیب اینکه فقیر مذکور را به یقین فقیر دهلوی پنداشته است؛ عجیب‌تر اینکه این غزل را تا ابیات پایانی نخوانده و به تخلص شاعر توجهی نکرده است:

«واقف» به تو تسلیم نمودم تو نگهدار این نسخه بیربط که دیوان فقیر است

سبک شعر فقیر

پژوهشگران و منتقدان ادبی درباره نامگذاری دوره صفوی در تاریخ ادب فارسی نظرات متضادی دارند؛ گروهی با استناد به جغرافیای شکل‌گیری و شاعران بانی این سبک، آن را سبک اصفهانی مینامند و عده‌ای دیگر معتقدند از آنجایی که این سبک در شبه قاره هند و تحت تأثیر فرهنگ این سرزمین تکوین یافته، باید به نام سبک هندی خوانده شود. هر کدام از این دو گروه داوریه‌ها و بحث‌های درازدامنی درباره این موضوع ارائه کرده‌اند.

بحث ما در اینجا بررسی نامگذاری این سبک نیست، بلکه اشاره به این موضوع است که شاخه ایرانی (اصفهانی) و هندی این سبک هر کدام دارای ویژگی‌های خاصی است که متأثر از عناصر بلاغی و فرهنگی این دو سرزمین است. آثار شعرای شاخه ایرانی که نمایندگان آن صائب و کلیم و حزین لاهیجی هستند، قابل فهم و معتدل است، اما شاخه هندی این سبک که نماینده آن جلال اسیر و بیدل دهلوی هستند، اشعارشان با خیال‌بندی دور از ذهن و استعاره‌ها و تشبیهات پیچیده همراه است. «حزین لاهیجی و واله داغستانی با حملاتی تند، سبک شاعران دورخیال هندی را منحنی مینامند و از آن سو، شاعران طرز خیال شعر واله و حزین را کهنه و به طرز قدیم مینامند» (نازک خیالی اصفهانی و دورخیالی هندی، فتوحی: ص ۲۰).

فقیر دهلوی با وجود اینکه در شبه قاره زیسته، بیش از آنکه تحت تأثیر سنت شاعران دورخیال هندی باشد، به شیوه ایرانی این سبک گرایش دارد. او در غزل تتبع فغانی دارد و بیشترین استقبال را از غزلیات او داشته است. پس از فغانی، به نظیری و حزین و عرفی نظر دارد و چند غزل به اقتضای اشعار آنان سروده است. در قصیده نیز پیرو خاقانی، انوری و ظهیر فاریابی است. در شکل‌گیری شبکه تداعی شعر فقیر، آرایه‌ها و صناعاتی از قبیل انواع تناسبها، اسلوب معادله، پارادوکس، تشبیهات حسی و گسترده نقش مهمی دارند. شعر او با وجود اینکه در سالهای پایانی سبک هندی قرار دارد، در مقایسه با شعرای همدوره و پیشینیانش ساده و روشن است و مضامین پیچیده و استعاره‌های غامض در آن به ندرت مشاهده میشود.

نکته قابل توجه دیگر این است که برخلاف بسیاری از شعرای هندی‌تبار این دوره که از مردم عامی و درس‌ناخوانده بودند و به خاطر تسلط نداشتن به زبان فارسی و اصول و قواعد شاعری، خطاهای زبانی فراوان به شعرشان راه یافته است، فقیر دهلوی به دلیل تحصیل علوم مختلف ادبی و بلاغی و غور و تتبع در دواوین شعرای بزرگ ادب فارسی استادی مسلم در زمان خود بود؛ بگونه‌ای که بزرگان علم و ادب پیش او زانوی تلمذ میزدند و شعرا برای «اصلاح گرفتن» شعر خود - که در این دوره مرسوم بود - به نزد او میرفتند.

خصایص مهم سبکی

استفاده از اوزان جویباری و خوش‌آهنگ

فقیر دهلوی در غزلیات خود از اوزان متنوعی استفاده کرده است. او مجموعاً از ۲۶ وزن بهره برده که پرکاربردترین آنها «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن» (بحر مضارع مثنی‌اخر مکتوف محذوف)، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» (بحر رمل مثنی‌اخر محذوف) و «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» (بحر هزج مثنی‌اخر سالم) است که جزء خوش‌آهنگترین و رایجترین اوزان شعر فارسی هستند و بیشتر غزلیات حافظ نیز بر این اوزان است. در کنار این اوزان جویباری و بلند که پیوند تام با روحیات و عواطف فقیر دارد، او در چند وزن کم‌کاربرد نیز شعر گفته است؛ از جمله «مفتعلن مفعولاتن» و «فاعلاتن فاعلاتن».

اوزان به کار رفته در غزلیات فقیر به دلیل تعادل میان هجاهای بلند و کوتاه آنها، به طبیعت کلام نزدیک میشود و برای شکوه و گلایه و حدیث نفس مناسب است (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۷).

تکرار قافیه

تکرار قافیه از ویژگیهای عمده سبک هندی است. در بررسی صد غزل ابتدایی فقیر دهلوی، ۳۲ مورد تکرار قافیه مشاهده میشود که در مقایسه با اغلب شاعران این دوره بسامد نسبتاً اندکی است. تکرار قافیه در سبک هندی برخلاف سنت رایج گذشته، نه تنها جزء عیوب شعر محسوب نمیشد،

بلکه آن را ابزاری برای هنرنمایی شاعر در خلق معانی مختلف میدانستند. «از نظر اینان مبنای استتیک قافیه بیش از آنکه در جنبه موسیقایی آن باشد، در ابزار تداعی بودن آن است». (شاعر آینه‌ها، شفیع‌کدکنی: ص ۷۲) دلیل دیگر این است که «در حقیقت شاعر سبک هندی تکبیت‌گوست؛ یعنی قالب حقیقی مفردات است، منتها شاعر این ابیات مستقل را بوسیله رشته قافیه و ردیف به هم گره زده است». (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۹۱)

در تکرار قافیه، فقیر را می‌توان با فغانی مقایسه کرد که او نیز بسامد تکرار قافیه‌اش نسبتاً اندک است. یکی از دلایل کم بودن تکرار قافیه در شعر فقیر این است که ساختار عمودی غزل‌های او مستحکمتر از شاعران دیگر سبک هندی است.

توجه به ردیف‌های اسمی

ردیف در شعر فارسی اهمیت ویژه‌ای دارد. هر چند که مانند قافیه محدودیتهایی برای شاعر ایجاد میکند، اما امکانات موسیقایی، معنایی و ترکیب‌سازی مهمی را در ساختار شعر موجب میشود. «بررسی سیر تکامل شعر فارسی نشان میدهد که ردیف از شکل ساده و فعلی به صورتهای دشوار فعلی و یا اسمی تحول مییابد». (موسیقی شعر، شفیع‌کدکنی: صص ۱۴۹ - ۱۵۲)

بیش از ۷۰ درصد غزل‌های فقیر دهلوی مردّف هستند. بسیاری از ردیف‌های دشوار غیرفعلی که در شعر نظیری و فغانی به کار رفته، در غزلیات فقیر نیز دیده میشود. آوردن ردیف‌های اسمی باعث تنگنای کار شاعر در انتخاب قافیه و خلق مضامین میشود؛ بنابراین کمتر شاعری است که بتواند در سراسر یک غزل یا قصیده به خوبی از عهده کار برآید، بگونه‌ای که حاصل کار به تباهی معنی منجر نشود. «عبث»، «از صبح»، «سرخ»، «تلخ»، «تصویر»، «رقص»، «غرض»، «چه حظ»، «شمع»، «رنگم»، «نگاهم»، «نگین»، «آینه» و... از جمله ردیف‌های غیرفعلی غزلیات فقیر است. تقریباً نیمی از قصاید او نیز دارای ردیف هستند. بسامد کاربرد ردیف‌های بلند نیز در شعر این دوره قابل توجه است. نمونه‌ای از ردیف دوفعلی در دیوان فقیر:

می‌رود یار چه سازم چه کنم با دل زار چه سازم چه کنم
(نسخه علیگر، برگ ۶۹)

واژگان شعر فقیر

بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها از نظر ویژگیهای ساختمانی، گونه‌های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوعند. انبوهی هر یک از طیف‌های واژه‌ها در متن‌های ادبی و کاربردهای زبانی، زمینه تنوع سبکها را پدید می‌آورد. (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۴۹) بسامد کاربرد لغات در آثار هر شاعر و نویسنده‌ای، نشانگر ذهنیت و نظرگاه خاص اوست؛ به عبارتی، واژه‌های فرد دریچه‌ای به جهان بینی او و روایتگر اندیشه‌ای است که در قالب کلام نمود مییابد. در دوره سبک هندی به دلایل مختلفی از جمله خروج شعر از دربارها و رواج آن در میان

عامه مردم، عناصر زبانی کوچه و بازار وارد شعر شد و باعث سادگی لفظ و تغییر مختصات سبکی زبان شد. ورود واژه‌ها و ترکیبات عامیانه به شعر، باعث پویایی و سرزندگی زبان و ساختن ترکیب‌های جدید و شبکه تداعی معانی تازه شد که نوعی واکنش به تکرار سنت‌های تقلیدی شعر دوره قبل در حوزه لفظ و معنا بود.

شعر فقیر دهلوی فصیح و روشن و عاری از کلمات مهجور و کهن است. «تفصیح»، «خصمی»، «نیوشنده»، «قلزم»، «ناسور» و «موسیقار» از نمونه‌های نادر واژه‌های کهن در شعر اوست. نکته دیگر درباره واژه‌های شعر او این است که با وجود اینکه او اهل هند بوده و در آن جغرافیا زیسته، اما هیچ لغت هندی در دیوانش راه نیافته است.

کاربرد کلمات کوچه و بازار در شعر فقیر بقاعده و معتدل بوده و بگونه‌ای نیست که باعث ضعف و سستی در سخنش شود. استفاده از عناصر زبان عامیانه، باعث صمیمت کلام و تأثیرگذاری بیشتر سخن او شده است:

- سرخوش ز می وصل تو بودیم و کنون کار
یک باره به خمیازه آغوش فتاده
(نسخه علیگر، برگ ۷۹)
- سرت گردم چه حاجت تیغ بسمل کردن ما را
ز مژگان تو آید آنچه از ساطور می‌آید
(همان، برگ ۴۶)
- عینک برای دیده بینا شود حجاب
بیگانه دو کون بود آشنای دل
(همان، برگ ۵۸)
- رسوا شود آری ز صدا چینی مودار
خاموش نشستن هنر بی‌هنران است
(همان، برگ ۱۶)

موتیوهای زبانی

کاربرد برخی واژه‌ها در دیوان فقیر بسامد بالایی دارد و آنها را میتوان موتیف‌های شعر او به حساب آورد. موتیف‌ها عناصر تکرارشونده و دلالت‌آفرین در اثر هستند که باعث وحدت ساختاری اثر مبتنی بر نگرش و ذهنیت خاص گوینده میشوند و در گزینش و تکرار برخی واژه‌ها نمود پیدا میکنند.

برخی از موتیف‌ها که نقش ویژه‌ای در مضمونسازی و خیال‌آفرینی و محور تداعی معانی شعر فقیر دارند، عبارتند از: «داغ»، «آینه و حیرت»، «غربت»، «سرمه»، «خط»، «سیل»، «نقش پا»، «حباب»، «غنچه»، «ذره و آفتاب»، «یوسف» (کاروان و خریدار)، «تصویر»، «نگاه و دیده»، «سبحه»، «ظالم»، «جنون»، «شهید»، «بسمل»، «گنج و خرابه»، «تصویر»، «نگین»، «ماه و نم» و «رنگ».

آینه و حیرت:

- چه گل چیند ز دیدارش دل ما

از این آیینه حیرت میتراود
(نسخه علیگر، برگ ۲۳)

یوسف (کاروان، خریدار):

- جهان تنگ است از جوش خریدار
داغ:

همانا یوسفی در کاروان است
(همان، برگ ۱۶)

- محو شد نقش مه و مهر ز لوح گردون
سرمه:

گل داغ تو همان میدمد از سینه ما
(همان، برگ ۴)

- چو سرمه خاک من از شهر آشنایه‌هاست
نقش پا:

ز چشم یار بپرسید دودمان مرا
(همان، برگ ۹)

- چون نقش پا منم که از این کو نمیروم
تصویر:

ورنه چو اشک هرکه زچشم فتاد رفت
(همان، برگ ۲۱)

- هر چند کلک مانی شد گلفشان تصویر
غربت و وطن:

نشکفت چون تو یک گل در بوستان تصویر
(همان، برگ ۴۸)

- غربت کجا به خاطر من میرسد فقیر
رنگ:

مشت غبار خود شده خاک وطن مرا
(همان، برگ ۹)

- چراغ از خویش دارد چون گهر پروانه رنگم
ظالم:

کباب آتش خود میشود پروانه رنگم
(همان، برگ ۶۶)

- ظالم ز عمر خود نبرد هیچ لذتی
سیل:

زنبور را چه فایده از انگبین خویش
(همان، برگ ۵۲)

- تو را که منع نماید ز غارت عاشق
آفتاب (ذره، سایه):

کسی به سیل نگوید عنان ز راه بتاب
(همان، برگ ۱۳)

- حسنت چو به خورشید رساند نسب خویش

شیدای تو با ذره بسنجد حسب خویش
(همان، برگ ۵۳)

کاربرد ترکیبهای ساده

یکی از ویژگیهای مهم زبان فارسی پرمایه بودن آن در ساختن ترکیبهای جدید است. «اگر به جریان تحول شعر فارسی نظری افکنده شود، درمییابیم که بهره‌گیری از امکانات ترکیبسازی کلمات روندی رو به رشد و فزاینده داشته و این صورت زبانی خود موجب شکل‌گیری و پیدایش عناصر و شاخصه‌های سبکی فراوان در تحول شعر شده است. هرچه در جریان شعر فارسی به سبک

هندی نزدیکتر می‌شویم، زبان فشرده‌تر شده و ساختهای عطفی و اسنادی جای خود را به ساختهای اضافی می‌دهد». (طرز تازه، حسن پور آلاشتی: ص ۱۳۴)

در شعر فقیر از ترکیبات پیچیده و انتزاعی شعرای هندی این دوره خبری نیست و بیشتر از ترکیبهای ساده بهره برده است که متناسب با زبان روان و ساده شعر اوست. ساختمان ترکیبسازی او به فغانی و نظیری نزدیکتر است. نمونه‌هایی از ترکیبهای فقیر از این دست است:

۱- ترکیبهای اضافی و وصفی: «نازپرورد تغافل»، «ظلمت‌آباد عدم»، «نخل آه»، «مغز شوق»، «منت خشک»، «چمن‌سازان غیب»، «خمیازه آغوش»، «خوشه گناه»، «تاخن چاره»، «حیرت‌آباد جهان»، «نمک‌خوار لب دوست»، «پرواز رنگ»، «هم‌آغوش نگاه».

ترکیبات پارادوکسی از قبیل: «آب آشناک»، «جامه عریانی»، «بحر آتش خیز» و «زبان بی‌زبانی» نیز در شعر او دیده می‌شود.

۲- کلمات مرکب: «عرش‌پرواز»، «جفامشتاق»، «بلاپرورد»، «خاراشکاف»، «سمندرطینت»، «خراب‌آباد»، «خوش‌نگاه»، «برق‌شتاب»، «جنون‌آماده»، «خانه‌بیزار»، «وفاکیش»، «جفاکوش»، «عشوه‌باز»، «دیده‌باز»، «رنگین خیال».

همانگونه که از نمونه‌های ذکرشده برمی‌آید، بیشتر کلمات مرکب فقیر از نوع اضافه‌های مقلوب است که جزء ویژگیهای سبکی مشترک این دوره است.

بسامد بالای پارادوکس و اغراق

پارادوکس یا متناقض‌نما از آرایه‌های پرکاربرد سبک هندی است که با ذهن و زبان شاعران این دوره تناسب دارد. این آرایه باعث پیچیده شدن معنا و آشنایی‌زدایی می‌شود. «علمای بلاغت ما ترفند متناقض‌نما را نمیشناخته و آن را در شمار تضاد آورده‌اند». (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۸۲) البته سیف جام هروری (قرن هشتم هجری) در جامع‌الصنایع و‌الاوزان این آرایه را ذیل «توجیه محال» (نقد ادبی در سبک هندی، فتوحی: ص ۱۷۵) و آزاد بلگرامی، منتقد برجسته سبک هندی، در غزلان‌الهند آن را با عنوان «وفاق معنوی» ذکر کرده‌اند. (همان، ص ۱۹۱)

شعر فقیر دهلوی اگرچه پیچیدگیهای سخن دیگر شاعران شاخه هندی این سبک را ندارد، اما بسامد کاربرد پارادوکس در آن، علیرغم سادگی زبانش، قابل اعتناست. کاربرد تصاویر متناقض‌نما (Oxymoron) در شعر فقیر کمتر از نمونه‌های بیان متناقض‌نما (Paradox) است. ترکیباتی همچون «بحر آتش خیز»، «زبان بی‌زبانی»، «جامه عریانی» و «آب آشناک» از نمونه‌های معدود تصاویر پارادوکسی شعر اوست:

- از پای دل ره طی کنم عشق بلانگیز را کشتی ز موم آورده‌ام این بحر آتش خیز را

(نسخه علیگر، برگ ۶)

— از زبان بیزبانیها خبر دارم فقیر
داده آن چشم سخگو درس خاموشی مرا
(نسخه علیگر، برگ ۸)

بیان پارادوکسی که حاصل اسناد دو امر متناقض به همدیگر است، بیشترین بسامد پارادوکس را
در شعر فقیر دارد:

— ما به سودای کسی گرم سفر در وطنیم
هر که بنشست به ما برزده دامان برخاست
(همان، برگ ۱۸)

— از نسیم ناله‌ای در سینه‌ام شد تازه داغ
یاری طالع ببین کز باد روشن شد چراغ
(همان، برگ ۵۵)

— ز توان خود نیازی سوی مور مینویسم
ز شتاب خود سلامی به درنگ میفرستم
(همان، برگ ۶۶)

یکی از ابزارهای مهم دیگر برای مضمون‌آفرینی و تصویرسازیهای دور از ذهن و نیز برجسته‌سازی
کلام در سبک هندی اغراق است. اغراق‌های به کار رفته در شعر فقیر از نمونه‌های انتزاعی و پیچیده
رایج در این سبک نیست و موضوع آنها نیز توصیف عوالم عاشقانه و عارفانه و تأثرات روحی وی و
ویژگیهای معشوق است:

— بس که شد لبریز حسرتها دل پردرد ما
چشمه خورشید یخ بندد ز آه سرد ما
(همان، برگ ۸)

— دلبر دل بیتابم از کف ندهد ورنه
بر بسمل من تنگ است صحرای قیامت هم
(همان، برگ ۶۶)

— به دوران تو خورشید فلک بر خویش میلرزد
که حسنت آتشی در خرمن گردون نیندازد
(همان، برگ ۴۱)

نمونه‌هایی از قصیده فقیر در نعت پیامبر(ص):
نالَم به پیش عدل‌پناهی که شعله را
بیند اگر به چشم غضب سوی آسمان
عدلش اگر به شعله کند منع سوختن
کوتاه میکند ز گریبان خار دست
خورشید را ز بیم شود رعشه‌دار دست
از بهر حفظ خار نماید حصار دست...
(نسخه ایندیانا، برگ ۶)

کثرت تشبیهات «حسی و مرکب» و «مضمون»

تشبیهات فشرده و انتزاعی که باعث پیچیدگی و دور از ذهن شدن تصاویر شعری میشود، در
دیوان فقیر کاربرد اندکی دارد. بیشتر تشبیهات او از نوع حسی است و بسامد تشبیهات مرکب در
شعر او که در این دوره کمتر کاربرد دارد، یادآور شعر نظیری نیشابوری است.
— به چهره عرق‌آلود او نگر کز سحر در آفتاب قیامت نموده پروین را

- (نسخه علیگر، برگ ۱۰)
- تا چه کند جوش خط با لب شیرین تو راه صف مور را بر شکر افتاده است
(همان، برگ ۱۷)
- از ابر نقاب است نمایان مه رویت چون بیضه خورشید ز زیر شکم صبح
(همان، برگ ۲۶)
- نوع دیگری از تشبیه که در اشعار فقیر بسامد نسبتاً قابل اعتنایی دارد، تشبیه مضمّر تفضیلی است. در این گونه تشبیهات «ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است و جمله قابل تأویل به جمله تشبیهی است» (بیان، شمیسا: ص ۱۳۱). این گونه از تشبیه در دیوان حافظ نمونه‌های بسیاری دارد و سبک ویژه اوست. نمونه‌هایی از غزلیات فقیر:
- صبحی که برگیری ز رخ آن سنبل پرتاب را گردون به شب واپس برد خورشید عالمتاب را
(همان، برگ ۳)
- هلال کرده چو خلخال زر تهی قالب نموده‌ای مگر از دور ساق سیمین را
(همان، برگ ۱۰)
- گر ماه را به خرمن حسنت نظر فتد خرمن دهد به باد و شود خوشه‌چین تو
(همان، برگ ۴۱)

بازی با کلمات

یکی از مظاهر فرمالیستی شعر سبک هندی که ابزار مضمون‌آفرینی و هنرنمایی شاعران این دوره قرار گرفته، بازی با کلمات است. «اگر شاعر می‌توانست خوب از این هنر بهره بگیرد، قادر به آفرینش نکته‌های جالب می‌گردد. در این راه شاعر از صنعت‌های جناس و ایهام و نظایر آنها به هر نحو که ممکن بود هم استفاده می‌کرد». (تاریخ ادبیات، صفا، ج ۵/۱: ص ۵۷۱) «بازی با کلمات به هیچ روی در شعر دوره قبل بی‌پیشینه نیست، اما غلبه آن در شعر این دوره نمایان است؛ میتوان تصور کرد که دلیل آن گسترش حوزه شعر فارسی به منطقه‌ای است که زبان اصلی مردم آن فارسی نبود». (ادبیات فارسی؛ از عصر جامی ...، شفیع‌ی کدکنی: ص ۴۵)

فقیر دهلوی نیز به این تفنن هنرمندانه علاقه داشته و نمونه‌هایی از بازی با کلمات یا کاریکلماتور در دیوانش دیده میشود. او در بیت زیر، خود را به منصور حلاج تشبیه میکند که از نخل خشکی که دار بر آن تعبیه شده، «بر» خورده و از این رو، در زمره عشاق «برخوردار» قرار گرفته است:

فقیر از نخل خشک دار چون بر خوردی تو را از زمره عشاق برخوردار می‌گویم
(همان، برگ ۶۰)

و از همین قبیل است نمونه‌های زیر:

- ز خلوت دل خود فکر کام را راندیم فقیر شاه نباشد به کامرانی ما

- (همان، برگ ۱۰)
- تجرد بس که از نام گرفتن کرده بیزارم
ز دنیا برگرفتن دل مرا دلگیر میسازد
(همان، برگ ۶۰)
- به پای دار چو منصور هرکه رفت فقیر
ز فکر عالم ناپایدار میگذرد
(همان، برگ ۶۰)
- نفس بی او چو نخل طور آتش بار میآرد
از آن رو آه خود را نخل آتش بار میگویم
(همان، برگ ۶۰)

مدح و ثنای اهل بیت (ع)

رسمیت یافتن مذهب تشیع در این دوره در ایران و تشویق پادشاهان به سرودن اشعار در مدح معصومین (ع) باعث شد که غالب شاعران در مدح و منقبت و مراثی اهل بیت (ع) طبع آزمایی کنند. «پادشاهان هند نیز هرچند پیرو مذهب اهل سنت بودند، اما اعتدال آنها در مواجهه با مسائل مذهبی و جذب نیروهای شیعه مذهب، زمینه‌های مساعدی برای رشد سیاسی و گسترش این مذهب فراهم کرد» (شیعه در هند، اطهر: ص ۲۳۴). سرودن قصیده‌های دینی و مدح و منقبت اهل بیت (ع) تنها مختص دوره صفوی نبوده و در تاریخ شعر فارسی سابقه‌ای دیرین دارد؛ «البته وضع سیاسی آن دوره و سعی در اشاعه اعتقاد مذهبی شیعه و ترویج نهایی آن طبعاً کار را به ترغیب شاعران میکشاید، ولی این کار به دست چند تن از بزرگان شعرای آن روزگار پایه و بنیاد استوار یافت و چون به دوران صفوی رسید، مقتضیات زمان به اشاعه بیشتر آن یآوری کرد و چنان شد که کمتر شاعری را میبینیم که قصیده ساخته و ترکیب و ترجیع پرداخته و ستایشنامه‌های مشهوری از پیامبر اسلام و امامان شیعه نداده باشد» (تاریخ ادبیات، صفا، ج ۱/ ۵: ص ۶۰۷).

فقیر دهلوی نیز اشعار بسیاری در منقبت و مراثی معصومین (ع) دارد؛ علاوه بر قصاید، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مثنوی و حتی رباعیات، او دو منظومه (شمس‌الضحی و درّ مکنون) نیز با موضوعات دینی دارد. نعت پیامبر (ص) و مدح امیرالمؤمنین (ع) موضوع عمده قصاید اوست.

او در سراسر غزلیاتش نیز ارادت خود را به مذهب شیعه و معصومین - بویژه امیرالمؤمنین (ع) - ابراز میکند:

- برده‌ایم از دولت اثنی‌عشر بازی ز چرخ
جز دو شش‌نقشی ندارد کعبتین نرد ما
(همان، برگ ۸)
- لذت قند مکرر میدهد شعر فقیر
تا زبانش وقف مدح حیدر کرار شد
(همان، برگ ۳۳)

اگرچه عرفان و تصوف یکی از مهمترین آبخورهای فکری فقیر دهلوی است و نمونه‌های لطیف و زیبایی از این اندیشه در غزلیات او وجود دارد، اما بیشتر مضامین عرفانی اشعار او - همانند شعرای دیگر این عصر - تکراری است و تجربه جدیدی به حوزه شعر عرفانی نیفزوده است.

سایر موتیوهای فکری فقیر

۱- بی‌نشان بودن معشوق:

- او جان جهان و ز جهانش نتوان یافت با نام و نشان و ز نشانش نتوان یافت
با آنکه تهی نیست از او هیچ مکانی غیر از دل آگاه مکانش نتوان یافت
(نسخه علیگر، برگ ۲۲)

۲- تکثرگرایی (وسعت مشرب):

بخشی از این تفکر و رویکرد نشئت‌گرفته از دیدگاه عرفانی فقیر است و وجهی دیگر را میتوان با جغرافیای زندگی او مرتبط دانست؛ کشور هند سرزمین ادیان و مذاهب گوناگون و متکثر است که با وجود اختلاف مشرب و مذهب، مردمانش با احترام به مذاهب دیگر در کنار هم با صلح زندگی کرده‌اند. این وسعت مشرب را در نزد پادشاهان و حاکمان وقت این سرزمین نیز میتوان دید که با اینکه پیرو مذهب اهل سنت بودند، با مذاهب و ادیان دیگر با اعتدال برخورد میکردند.

- نزاع شیخ و برهمن ز راه نادانی است بود ز کعبه و بتخانه کوی یار غرض
(همان، برگ ۵۴)

- غباری نیست از من خاطر شیخ و برهمن را به کفر و دین ندارد کار ایمانی که من دارم
(همان، برگ ۵۹)

۳- اندیشه‌های عرفانی:

فقیر دهلوی در میانه سالهای ۱۱۵۰ تا ۱۱۵۵ از وابستگیهای دنیوی کناره گرفت و کسوت فقر در بر کشید. همانگونه که در شرح زندگی او ذکر شد، در ابتدا «مفتون» تخلص می‌کرد و پس از قطع تعلقات و انزوا گزیدن، تخلص «فقیر» را اختیار کرد. واژه‌ها و ترکیباتی همچون بیرنگی، تجرد، فیض، فقر، جمع، فرد، پریشان، جلوه، یکرنگی، حیرت، می وحدت، میخانه توحید، عالم تجرید، چمن‌سازان غیب، همت پیر، باده عرفان و تحقیق، ذره و خورشید، وحدتسرا و ... در غزلیات فقیر بسیار به کار رفته که نشانگر علقه او به مشرب صوفیانه و عارفانه است:

- جلوه‌ای کردی و با قد دوتا پیر فلک بهر نظاره به صد دیده حیران برخاست
(همان، برگ ۱۸)

- نغمه وحدت به هر جا دارد آهنگی دگر در دل بلبل فغان و ناله شد در غنچه بوست
(همان، برگ ۲۵)

۴- مذمت عقل و ستایش جنون:

- ۵- مذمت زاهد:
- خرد از عهده دیوانگی بیرون نمیآید
- عقل آمد و شد یار من در لحظه مجنون کردم
(نسخه علیگر، برگ ۴۰)
- طفلی به من شد همزبان رشک فلاطون کردم
(همان، برگ ۵۳)
- ۶- مفاخره، گله از هنرنشناسی و حسادت ابنای روزگار:
- در بزم باده زاهد افسرده را مخوان
- این آب و خاک را چو به هم امتزاج نیست
(همان، برگ ۲۰)
- ۷- فقیر ار پرده برگیرم ز روی یوسف معنی
- مغانی با دل پر خون ره بیت‌الحزن گیرد
(همان، برگ ۳۶)
- ۸- طبع بلندم هست تو گویی ملک سخن را چرخ برینی
- فقره نثرم غیرت نسرين مصرع نظم رشک ثریا
(همان، برگ ۳)
- ۹- پریشانم چو گل زانرو که از رنگین خیالانم
- چو سروم از ثمر بی بهره جرمم اینکه موزونم
(همان، برگ ۶۱)
- ۱۰- انتقام هنر من ز حسودان کافی است
- پشت دستی که گزیدند به دندان از من
(همان، برگ ۷۰)

نتیجه‌گیری

کثرت شعرا و گستره جغرافیایی سبک هندی و نیز داوریهای مطلق درباره کلیت شعر این دوره باعث شده تا تحقیق و پژوهش جامعی درباره آثار ادبی و دواوین شعرای این دوره صورت نگیرد و بسیاری از شخصیت‌های ادبی این سبک، بویژه شعرای هندی‌تبار این دوره در گمنامی به سر برند. یکی از ادبا و شعرای برجسته اواخر قرن دوازدهم میرشمس‌الدین فقیر دهلوی است که علاوه بر اینکه در سرودن غزل و مثنوی‌های دینی و حکمی جایگاه قابل‌اعتنایی دارد، آثار بلاغی متعددی نیز از خود بر جای گذاشته است. او به دلیل تحصیل علوم مختلف ادبی و بلاغی و غور و تتبع در دواوین شعرای بزرگ ادب فارسی استادی مسلم در زمان خود بود.

شعر فقیر ساده و روشن و عاری از واژه‌های مهجور و کهن است و حتی لغات هندی نیز در دیوان او مشاهده نمیشود. کاربرد کلمات و اصطلاحات عامیانه از ویژگی‌های سبکی عام این دوره است که در شعر فقیر نیز به شکل معتدل وجود دارد. در دیوان او از ترکیبات پیچیده و انتزاعی شعرای هندی این دوره نیز خبری نیست و بیشتر از ترکیب‌های ساده بهره برده است که متناسب با زبان روان و ساده شعر اوست. همچنین آشنایی خوب فقیر با زبان فارسی باعث شده تا شعر او از لغزش‌های نحوی و زبانی مرسوم این دوره مصون بماند. فقیر در غزلیاتش از ۲۶ وزن استفاده کرده که بیشتر آنها اوزان جویباری و بلند هستند که پیوند تام با روحیات و عواطف او دارد. همچنین ۷۰ درصد

غزلهایش مردّف هستند و توجه به ردیفهای دشوار غیرفعلی در دیوانش مشهود است. بسامد تکرار قافیه نیز در شعر او، در مقایسه با هنجار این دوره اندک است که یکی از دلایلی، استحکام ساختار عمودی غزل اوست.

فقیر دهلوی شیعه‌ای بسیار معتقد و متعصب بود که دیدگاه مذهبی‌اش را بوضوح در آثار مختلفش میتوان دید. مضمون شعر او علاوه بر مدح و منقبت و مراثی اهل بیت(ع)، بیان احوالات عاشقانه و عارفانه و تألمات و تأثرات روحی خویش است که بویژه پس از ترک تعلقات و در دوران انزوا رنگ و بوی عارفانه آنها غالب است. بیشتر مضامین عارفانه شعر او - همانند شاعران دیگر این عصر - تکراری است و حوزه تجربه جدیدی به حوزه شعر عرفانی نیفزوده است.

شعر او با وجود اینکه در سالهای پایانی سبک هندی قرار دارد، در مقایسه با شعرای همعصرش ساده و روشن است و استعاره‌های غامض و خیالبندهای دور و دراز در آن به ندرت مشاهده میشود. بیشتر تشبیهات او از نوع حسی است و بسامد تشبیهات مرکب و نیز تشبیهات مضمّر تفضیلی در شعر او قابل اعتناست. اغراق و پارادوکس نیز کاربرد زیادی در دیوان او دارد.

منابع

- ۱- ادبیات فارسی: از عصر جامی تا روزگار ما، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- ۲- آتشکده، آذر بیگدلی، لطفعلی، تصحیح میرهاشم محدث، چ اول، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۷.
- ۳- بیان، شمیسا، سیروس، چ اول از ویرایش سوم، تهران: میترا، ۱۳۸۵.
- ۴- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی، چ دوم، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
- ۵- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، چ سیزدهم، ج ۵/۱، تهران: فردوس، ۱۳۸۸.
- ۶- رستاخیز کلمات؛ درسگفتارهای نظریه‌ی ادبی صورت‌گرایان روس، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۱.
- ۷- ریاض‌الشعرا، واله داغستانی، علی قلی، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- ۸- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، چ سوم از ویرایش دوم، تهران: میترا، ۱۳۸۶.
- ۹- سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود، چ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۱.
- ۱۰- شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چ چهارم، تهران، آگه، ۱۳۷۶.
- ۱۱- شیعه در هند، اطهر، سیدعباس، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- ۱۲- طرز تازه: سبک‌شناسی غزل سبک هندی، حسن‌پور آلاشتی، حسین، چ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- ۱۳- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، چ دوم از ویرایش دوم، تهران: میترا، ۱۳۸۶.

- ۱۴- مجمع‌النفائس، آرزو، سراج‌الدین علی، به کوشش مهنور محمدخان و با همکاری زیب‌النساء علی خان، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۵.
- ۱۵- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چ هشتم، تهران، آگه، ۱۳۸۴.
- ۱۶- نازک‌خیالی اصفهانی و دورخیالی هندی، فتوحی، محمود، مجله شبه قاره، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، سال اول، شماره اول، فروردین ۱۳۹۲.
- ۱۷- نتایج‌الافکار، گوپاموی، محمد قدرت‌الله، به کوشش اردشیر خاضع، بمبئی: چاپخانه سلطنتی، ۱۳۱۶.
- ۱۸- نسخه دیوان فقیر دهلوی، محفوظ در ایندیانا‌فیس لندن به شماره ۱۷۱۰.
- ۱۹- نسخه دیوان فقیر دهلوی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه علیگر هند به شماره ۳۱۷.
- ۲۰- نشتر عشق، عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی، تصحیح و تعلیقات سیدکمال حاج سیدجوادی، ج اول/ب، تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۳۹۲.
- ۲۱- نقد ادبی در سبک هندی، فتوحی، محمود، چ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۵.